

## فقدان ساختار برنامه ریزی مشارکتی؛ تأثیر مشارکت در برنامه ریزی های شهرداری ها

علی باقری<sup>۱</sup>، ایمان میرالی<sup>۲</sup>

### چکیده:

پیوستن شهروندان به فرایند برنامه ریزی، از نتایج مثبت انکارناپذیری برخوردار است. سالهای اخیر موضوع مشارکت شهروندان در برنامه ریزی در اغلب کشورها بسیار مورد توجه قرار گرفته و سعی شده امکان مشارکت عمومی در سطوح گوناگون برنامه ریزی و تصمیم سازی فراهم شود. نقش مدیریت محله می بایست برای ساماندهی مشارکت های اجتماعی در محلات شهر و به تبع آن برنامه ریزی محله محور مورد توجه ذینفعان حوزه مدیریت شهری قرار گیرد. این مقاله تأثیر مشارکت، به عنوان ابزاری در تقویت فرایند برنامه ریزی را مورد بحث قرار داده است. این تحقیق به منظور بررسی نقش برنامه ریزی مشارکتی به عنوان الگویی برای برنامه ریزی مؤثر در شهرداریها و همچنین توجه به این نوع از برنامه ریزی به عنوان ابزاری برای توانمندسازی شهروندان صورت گرفته است. هدف این تحقیق ارائه مکانیزیم هایی برای طرح مدیریت محله است تا میزان موفقیت آن را در جلب مشارکت شهروندان جهت برنامه ریزی مشارکتی در شهرداری ها محیا سازد. در این تحقیق از مقالات، گزارشات، آئین نامه های مرتبط با موضوع و همچنین مصاحبه با معاونان شهرداران برخی از مناطق شهر تهران استفاده شده است. افزایش رشد و توسعه شهری، رضایت شهروندان از مدیریت شهری، افزایش اعتماد به مدیریت شهری از نتایج یافته های تحقیق می باشد که نشان دهنده این است که ایجاد ساختار رسمی، قانونی و موثر در نتیجه گیری های مدیران مناطق می تواند نقش به سزایی در دخالت دادن شهروندان در اداره شهر داشته باشد و این مشارکت به عنوان ابزاری برای تصمیم گیری و تصمیم سازی ایفای نقش نماید. در این پژوهش مشخصات و ویژگی های افرادی که در فرایند تصمیم سازی می توانند تأثیر گذار باشند نیز مورد اشاره قرار گرفته است. در انتها مشخص گردید برنامه ریزی مشارکتی و توجه به سرای محله و ایجاد ساختار رسمی موثر برای آن می تواند منجر به رضایت مردم و افزایش اعتماد به مدیریت شهری، افزایش رشد و سرعت توسعه شهری را در پی داشته باشد.

**واژه های کلیدی:** برنامه ریزی مشارکتی ، مدیریت محله ، جلب مشارکت شهروندان، برنامه ریزی شهری

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مدیریت بازاریابی، دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد تهران مرکز ، ایران، a.bagheri@yahoo.com  
<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران imanmirali@yahoo.com

## Lack Of Participatory Planning Structure; The Impact Of Participation In Municipal Planning

### Abstract

Citizens' involvement in the planning process has undeniable positive results. In recent years, the issue of citizen participation in planning has been given much attention in most countries and efforts have been made to enable public participation in various levels of planning and decision-making. The role of neighborhood management should be considered by stakeholders in the field of urban management to organize social participation in urban neighborhoods and consequently neighborhood-based planning. This article discusses the impact of participation as a tool in strengthening the planning process. This study was conducted to investigate the role of participatory planning as a model for effective planning in municipalities and also to pay attention to this type of planning as a tool for empowering citizens. . This study was conducted to investigate the role of participatory planning as a model for effective planning in municipalities and also to pay attention to this type of planning as a tool for empowering citizens. The purpose of this study is to provide mechanisms for neighborhood management plan to ensure its success in attracting citizen participation for participatory planning in municipalities. In this research, articles, reports, regulations related to the subject and also interviews with deputy mayors of some areas of Tehran have been used. Increasing urban growth and development, citizens' satisfaction with urban management, increasing trust in urban management are the results of research findings This shows that creating a formal, legal and effective structure in the conclusions of district managers can play an important role in involving citizens in the city administration, and this partnership can play a role as a tool for decision-making. In this study, the characteristics of people who can be effective in the decision-making process are also mentioned. In the end, it was found that participatory planning and attention to the neighborhood house and creating an effective formal structure for it can lead to people's satisfaction and increase trust in urban management, increase growth and speed of urban development.

**Keywords:** Participatory planning, neighborhood management, citizen involvement, urban planning

**مقدمه:**

اجرای فرایند مشارکت عمومی برای دموکراتیک کردن ارزش های اجتماعی و برنامه ریزی بهتر و تحقق نیازهای عمومی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. همچنین آموزش عمومی، در مورد برنامه های توسعه شهری موثر می باشد. این امر به طور بالقوه می تواند بر تغییرات اجتماعی یا شخصی در بین اعضای جامعه تأثیر بگذارد، که از آن می توان برای منافع عمومی بسیاری استفاده کرد و از این طریق به مردم حق شرکت در تصمیماتی را می دهد که بر زندگی آنها تأثیر خواهد گذاشت. برنامه ریزی مشارکتی می تواند به عنوان یک اهرم مهم برای تقویت مشروعیت سیاستگذاری و تصمیم گیری با ایجاد حس مالکیت محلی و اطمینان از در نظر گرفتن حقوق شهروندان شود. (Marzuki, 2015)

فرایند تصمیم گیری باید شفاف باشد تا همه شهروندان از استدلال تصمیم گیری آگاه شوند. تعامل با ذینفعان راهی برای تبادل دانش و اطلاعات برای بهبود فرآیند برنامه ریزی مکانی را فراهم می کند. همچنین می تواند به ایجاد اجماع بین ذینفعان کمک کند و حمایت عمومی از سیاست ها را افزایش دهد. (Marzuki, 2015)

تمام سیستم های برنامه ریزی فضایی شامل رویه هایی هستند که ذینفعان را طی فرایند سیاست گذاری درگیر می کنند، که معمولاً فرصت هایی را برای مشارکت، مشاوره، نمایندگی و تجدید نظر فراهم می کند.

**ضرورت تحقیق:**

با توجه به اینکه یکی از اهداف مهم مدیریت شهری، در سطوح کلان، توسعه ی پایدار شهرها و در سطوح خرد، توسعه ی پایدار محلات شهری است؛ اهمیت و ضرورت توجه به نقش مدیریت محله برای افزایش مشارکت مردم در برنامه های محله محور می تواند به تعامل سایر سازمان ها در ساختار مدیریت شهری و در نتیجه توسعه ی پایدار شهری منجر گردد.

امروزه در اغلب کشورهای توسعه یافته، حکومت های محلی و شهرداری ها که نماد بارز آن هستند، قدرت و اختیارات بسیاری برای مدیریت شهرها دارند و در این بین شهرهایی مانند برلین، لندن، پاریس و شهرهای کشورهای در حال توسعه مانند برزیل،

هند، مالزی، ترکیه و... برای توسعه ی طرح های ملی و منطقه ای روابط مؤثری بین شهروندان، حکومت های محلی و دولت هایشان برقرار نموده اند. اغلب طرح ها با حمایت دولت ها و با خط مشی گذاری کلان صورت می گیرد. همچنین دولت ها و حکومت های محلی قبل از اقدام برای هر طرح توسعه ای، برنامه هایی برای توانمندسازی جوامع خود در حوزه ی مشارکت و برنامه ریزی مشارکتی، اجرا می کنند. این رویکرد در آلمان به صورت مدیریت محله و در اغلب کشورهای اروپایی نیز به عنوان «مدیریت تغییر در محله» بیان می گردد. (کرمانی و غیره، ۱۳۹۴)

مطالعات و پژوهش های بسیاری در حوزه ی جامعه شناسی شهری برای مؤلفه های مشارکت، اعتماد، افکارسنجی، آموزش و... صورت گرفته است. همچنین با گذشت چند سال از طرح مدیریت محله، مطالعات تطبیقی بین این طرح و الگوهای کشورهای دیگر صورت گرفته که به صورت کتابخانه ای بوده و از دیگر سو پژوهش های میدانی این طرح در شهر تهران اغلب از جنبه های کار کردی برای فعالیت خاصی در سطح محله و با مقایسه چند محله و منطقه با یکدیگر بوده است.

**روش تحقیق**

در این تحقیق از روش های تحلیل اسنادی و تحلیل محتوایی (گزارش ها، اسناد، مقالات مستخرج با مفاهیم مشارکت محله ای، آیین نامه ها) و مصاحبه با معاونان شهرداران مناطق و تحلیل کارشناسان استفاده شده است.

**پیشینه تحقیق:****اعتماد اجتماعی:**

اعتماد، یکی از جنبه های مهم روابط انسانی و زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. در عین حال اعتماد دارای سطوحی است که از سطح خرد تا کلان را شامل می شود. در سطح کلان اعتماد به عنوان ویژگی روابط اجتماعی و یا ویژگی نظام اجتماعی و به طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم سازی می شود. نظریه پردازانی مانند دورکیم، تونیس، اسپنسر، زیمل، پارسنز، اینگلهارت، پاتنام، فوکویاما، لوهمان و غیره سعی کرده اند با تأکید بر ساخت اجتماعی جامعه، به مطالعه ی اعتماد اجتماعی بپردازند. همه ی این نظریه پردازان سطح تحلیل کلان را برای بررسی خود درباره ی اعتماد برگزیده

که برنامه ریزی مشارکتی الگوی بهتری برای مدیریت نسبت به "الگوی متعارف" است.

تا حد زیادی، مشارکت عمومی موجب تبادل اطلاعات بین کلیه ذینفعان در توسعه پیشنهادی (مردم، دولت و سازمانهای غیردولتی) می شود که موجب تقویت درک و روابط متقابل بین ذینفعان می شود و در نتیجه دولت و توسعه پیشنهادی از حمایت های القاء شده برخوردار می شوند (Glass, ۱۹۷۹؛ Cavrić, ۲۰۱۱).

از دید مردم، عمل دعوت به مشارکت در فرآیند تصمیم گیری به عنوان نشانه ای از پذیرش دولت تلقی می شود.

روشن است که کارآیی و اثربخشی مشارکت عمومی ممکن است با مشکلاتی که مردم در هنگام درک گزارش های فنی و موضوعات پیچیده برنامه ریزی به وجود می آورند به خطر بیفتد (Jenkins, ۱۹۹۳). که این نتیجه در توانایی عمومی در درک فرآیند تصمیم گیری تأثیر خواهد گذاشت.

طبق گفته های برامول و شرم، مشارکت مؤثر مردم در صورت مساوی نبودن ساکنان دشوار است.

#### نماینده در داخل یا به عنوان بخشی از کل گروه ذینفعان.

نمایندگانی برابر با دانش و درک ذینفعان در مورد توسعه پیشنهادی به طور خاص و دانش در برنامه ریزی به طور کلی اشاره دارد.

مشارکت نه تنها ابزاری برای یک برنامه ریزی بهتر شهری است؛ بلکه این امر به شهروندان شهرها نیز قدرت می بخشد:

- این امکان را به افراد می دهد تا با روحیه همکاری با یکدیگر آشنا و همکاری کنند و در مورد زندگی خود تصمیم گیری کنند.
- این امر می تواند به اشتراک گذاشتن دید بین شرکا و تبادل اطلاعات، تغییر فعالیت ها، به اشتراک گذاری منابع و افزایش ظرفیت یکدیگر برای منافع مشترک حاصل شود.

اند. همین طور در بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد، سطح مطالعه خود را بر روی ساخت اجتماعی متمرکز ساخته اند. (کرمانی و غیره، ۱۳۹۴)

فوکویاما یکی از مفاهیم مهم در تبیین سرمایه ی اجتماعی را «شبکه ی اعتماد» می داند شبکه اعتماد عبارت است از گروهی که بر اساس اعتماد متقابل به یکدیگر، از اطلاعات هنجارها و ارزش های یکسانی در تبادلات بین خود استفاده می کنند. از این رو، اعتماد بین آنها نقش زیادی در تسهیل فرآیندها و کاهش هزینه های مربوط به اینگونه تبادلات دارد. شبکه ی اعتماد می تواند بین افراد یک گروه و یا بین گروه ها و سازمانهای مختلف به وجود آید. فوکویاما معتقد است که قبل از ورود به هر سیستم تجاری یا اجتماعی، باید اطلاعات کافی درباره ی شبکه های اعتماد موجود در آن سیستم و ویژگی های آن به دست آورد. زیرا اعتماد را پایه ی هر گونه مبادلات اقتصادی و اجتماعی می داند. (کرمانی و غیره، ۱۳۹۴)

#### برنامه ریزی مشارکتی:

مشارکت اجتماعی بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن های داوطلبانه باشگاه ها، اتحادیه ها و گروه هایی دلالت دارد که معمولاً خصلت محلی و غیر دولتی دارند و هدفشان مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرآیندهای اجتماعی مختلف در قالب سیاست های اجتماعی است؛ به عبارتی مشارکت اجتماعی بر آن دسته فعالیت های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضای جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده باشند و به طور مستقیم و غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند. (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹).

#### تحلیل یافته های تحقیق

پس از انجام مصاحبه ها و مطالعه اسناد کتابخانه ای موارد ذیل را می توان از نتایج این تحقیق عنوان کرد:

#### مشارکت به عنوان ابزاری مؤثر در برنامه ریزی:

مشارکت در برنامه ریزی، تلاش برای دور کردن روند برنامه ریزی فضایی استاتیک متمرکز در دولت، به فضایی که پویا، مردم محور و یکپارچه باشد است. (Richard, ۱۹۷۳). به نظر می رسد

که به تدریج از سطح پایینی اعتماد اولیه در آغاز تعامل به سمت سطح بالاتری که مبتنی بر دانش است، به تدریج شکل می‌گیرد (Lewicki, Gray, Elliott, ۲۰۰۳). معمولاً درک ویژگی‌های اعتماد یا ابعاد اعتماد مانند شفافیت، صراحت، شایستگی و قابلیت اطمینان به عنوان شاخصهای تجربی برای اعتماد ارزیابی می‌شود.

#### چارچوب قانونی استفاده از مشارکت برنامه ریزی:

اسناد حقوقی متنوعی وجود دارد که از مشارکت به عنوان یک بخش اساسی در فرایند برنامه ریزی در مصر پشتیبانی می‌کند. (قانون دولت محلی ۱۹۷۹ که راه را برای مشارکت ذینفعان مختلف در مصر هموار می‌کند) این قانون قوانین مشارکت و مراحل مشارکت در توسعه منطقه که به طور کلی شامل نقش رهبران اجرایی و منتخب است را تعیین می‌کند. این قانون راه را برای دو قانون مهم در زمینه توسعه شهری بطور خاص فراهم می‌کند. (Local Government Law, ۱۹۷۹)

مشارکت ذینفعان مختلف از جمله شوراهای منتخب، سازمان‌های مردم‌نهاد، رهبران محلی، بخش خصوصی و جامعه در شناسایی موضوعات / مشکلات / چالش‌ها و ارائه راه حل برای این مشکلات.

مشارکت بازیگران مختلف در آماده سازی پایه شامل بازنگری این طرح توسط کمیته ای که توسط فرماندار تشکیل شده است.

حضور در جمع بازیگران مختلف در کمیته طراحی شهری که سناریوهای آینده شهر و مرزهای فضایی جدید آن ارائه می‌دهند.

مشارکت به طور معنادار در این قانون صورت گرفت و در جایی آشکار شد که بازیگران محلی باید مقررات ساختمانی شهر را تدوین کنند و چارچوب اصلی صدور پروانه ساختمانی را تشکیل می‌دهد.

#### نتیجه گیری

بررسی‌های متخصصین همواره رویکردها و ابزارهای مختلف مشارکتی را برای مشارکت در فرآیندهای برنامه ریزی بررسی می‌کنند.

نتیجه گرفته شده است که هفت مؤلفه اساسی، با مشارکت، معمولاً توانمندسازی افراد را توصیف می‌کند:

(۱) خودکارآمدی یا طیف وسیعی از احساسات مربوط به توانایی خود ارزش داشتن در یک معنای وسیع، اعتماد به نفس و تصویر مثبت عاطفی است.

(۲) دانش و مهارت‌ها، هر دانش و مهارتی مربوط به زمینه یا هدف توانمندسازی، گسترش از دانش ساختارهای قدرت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تا مهارت‌های سواد آموزی.

(۳) فرصت، طیف گسترده‌ای از فرصت‌ها برای اقدام، از جمله تصمیم‌گیری و تأمین اطلاعات در کمیته مدیریت سازمانی، یا بسیج کردن بدون اینکه سرکوب شود.

(۴) اقدام، از جمله طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها، از تلاش برای کنترل بیشتر زندگی و سلامتی شخص، تا نامزدی برای سمت‌های منتخب.

#### ایجاد اعتماد به عنوان یک پارامتر مهم برای کارایی مشارکت:

اعتماد معمولاً به عنوان یک اعتقاد یا انتظار در مورد نگرش‌ها، رفتارهای آینده و عملکرد یک شیء را اعتماد تعریف می‌شود. (Lewicki, ۲۰۰۳)

ایجاد اعتماد گاهی به دلیل تأثیر مثبت فرض شده آن بر روابط اجتماعی، سیستم‌ها و عملکرد روانشناختی، به عنوان منافع اصلی فرآیندهای مشارکتی تلقی می‌شود. که حتی فراتر از فرایند برنامه ریزی فعلی است. (Carr, Selin, Schuett, ۱۹۹۸)

با توجه به اینکه مشارکت فرایندی از تعامل اجتماعی است که شامل بازیگران مختلف می‌شود، اعتماد به منزله جنبه اساسی در ساختار روابط متقابل است. به همین ترتیب، اعتماد ممکن است گفتگوی آزاد و همکاری تولیدی بین بازیگران مختلف را تسهیل کند و همچنین بر حمایت عمومی از تصمیمات و پروژه‌ها تأثیر بگذارد. (J. Brockner, ۱۹۹۷)

اعتماد یک پدیده پیچیده است که از ابعاد متنوعی تشکیل شده است و به اشیاء مختلفی اطلاق می‌شود و غالباً فرض می‌شود

در اینجا، توصیه می‌شود بیشتر بر فعالیت‌ها و اقداماتی که می‌تواند، شرکت کنندگان را به سمت بهینه کردن دستاوردها در یک فضای رقابتی سوق دهد، تأکید شود.

این مسئله را می‌توان با بیان کلیه مزایا و پیامدهای اقدامات همه شرکا و گروه‌های ساکت "آسیب پذیر" جامعه تشکیل داد.

ما نباید رویکردهای مشارکتی را به روشی غیر واقعی ببینیم و باید پیامدهای طراحی تمهیدات نهادی و فرآیندهای تصمیم‌گیری را برای مدیریت شهری در نظر بگیریم که باید در زمینه تحولات سریع، پیچیدگی و عدم اطمینان و تضاد قابل توجه کار کنند.

مسئله دیگری که در مورد فرآیند برنامه ریزی مشارکتی یافت می‌شود این است که تصمیمات برنامه ریزی اتخاذ شده در زمان حال ممکن است گزینه‌های موجود را حذف کرده و فرآیندهای اجتماعی را در آینده محدود کند که شرکت کنندگان تمایل دارند که نسبت به محدوده زمانی که در آن وجود دارد، مغرضانه یا محدود شوند.

برای حل مشکلات فوری فشارهایی وجود دارد که غالباً بی‌توجهی به عواقب بعدی صورت می‌گیرد. شاید مهم‌تر این باشد که شرکت کنندگان از آینده یک فرآیند برنامه ریزی در زمان کنونی خارج شوند که منجر به محیطی شود که مجبور به زندگی در آن شوند. بنابراین مشارکت یک دموکراسی سالم مهم است. مشارکت شهروندان در تصمیماتی که بر آنها تأثیر می‌گذارد بصورت محلی یکی از راه‌های تجدید اعتماد عمومی و بازگرداندن اعتبار و مشروعیت به کلیه سطوح دولت است. همچنین در زمانی که مشارکت در بخشی از سنت برنامه ریزی است، ما به طور مداوم باید راه‌های جدیدی را برای حضور فعال شهروندان در تصمیم‌گیری پیدا کنیم و بخشی از این فرآیند کمک به شهروندان است تا بتوانند نقشی که می‌توانند در تصمیم‌گیری در مورد آینده خود داشته باشند را درک کنند. به عبارت دیگر، شهروندان می‌فهمند که سهم خود را در این امر به دست می‌آورند و بنابراین به جای اینکه منتظرند ببینند چه برنامه‌ها و خدماتی را برای دلارهای مالیاتی خود دریافت می‌کنند، در این فرآیند شرکت کننده کامل می‌شوند. یک برنامه مشارکت که با دقت ساخته شده، تبادل اطلاعات و ایده‌ها را تشویق می‌کند. این امر مستلزم آن است که برنامه ریزان نظرهای متفاوتی را در

برخی به این نتیجه رسیدند که اعتماد شرکت کنندگان در کارگاه در طی فرآیند برنامه ریزی کاهش یافته است که ممکن است تا حدودی نمایانگر تغییر انتظارات مشتاقانه به یک دید واقع بینانه‌تر باشد و نباید به عنوان یک نتیجه منفی تلقی شود، زیرا این امر مانع از سرخوردگی جدی شرکت کنندگان می‌شود (کورینا هاپنر، زاکلین فریک، ماتیا س بوچکر، ۲۰۰۷).

در اینجا توصیه می‌شود که یک استراتژی مشارکت بلند مدت، با ارائه عرصه‌ها و تنظیمات مختلف مشارکت (جهت حفظ استمرار مشارکت) و به منظور تأثیرگذاری جامع بر همه ابعاد اعتماد و تقویت آن ضروری باشد.

علاوه بر این، برخی فعالیت‌های دیگر که می‌تواند برای تقویت اعتماد ایجاد شود که بر روند مشارکت کلی تأثیر می‌گذارد، پیشنهاد شده است.

- انجام کارگاه‌های بودجه ریزی مشارکتی از طریق فاز تدوین استراتژی که به شهروندان فرصت‌های بهتری برای دسترسی به کارها و خدماتی مانند بهداشت اولیه، آسفالت خیابانی، پیشرفت‌های حمل و نقل و مراکز بهداشتی و آموزشی می‌دهد. در کارگاه‌های مختلف، بحث گروه‌های متمرکز یا دیالوگ‌های مبتنی بر جامعه باید به روش‌هایی طراحی شوند که ظرفیت یادگیری شرکت کنندگان در این فرآیند (صلاحیت) را افزایش دهد.

برای افزایش توانایی‌های خود در توسعه با مشاوران، شاخص‌های مناسب جامعه و ایجاد سناریوهای توسعه بر اساس ترکیبی از اقدامات پیشنهادی و پیامدهای درک شود.

- اختصاص زمان و منابع کافی برای پایداری کانال‌های ارتباطی، بین گروه‌های ذینفع مختلف که از طریق مراحل برنامه ریزی باز شده‌اند تا ارتباط کافی در مراحل اجرایی و نظارت بعد از آن فراهم شود.

رفتار رقابتی شرکت کنندگان؛ که یک ویژگی اساسی مشترک انسانی است که با علاقه شخصی ایجاد می‌شود، به نوعی مانع از تحقق مزایای احتمالی مشارکت‌ها و رویکردهای مشارکتی نشود.

محدودیت های دیگر باید در نظر گرفته شود. مشارکت شهروندان همچنین اطمینان می دهد که راه حل ها (و احتمالاً برخی از راه حل های بسیار خلاقانه یا غیر متعارف) متناسب با نیازهای محلی ارائه می شود.

نظر بگیرند، خصوصاً عقاید اقلیت تحت حمایت کمتر نماینده، کم درآمد، سالمندان و معلولین. شرکت کنندگان با هم یک چشم انداز جمعی برای آینده ایجاد می کنند و مسئولیت مشکلات و همچنین راه حل های خود را با یکدیگر به اشتراک می گذارند. جهت حل مشکلات مشارکتی به طور کلی می تواند برای تقابل کمتر و موانع کمتر انجام شود، زیرا شرکت کنندگان درک می کنند که چه فرصت هایی در دسترس است و همچنین منابع یا

## منابع

- standing the role of collaborative planning, environ. Manaiging (۱۹۹۸).
۸. Richard Warren Smith, A Theoretical Basis for Participatory Planning, Elsevier Scientific Publishing Company, Amsterdam, Policy Sciences ۴, ۱۹۷۳, pp. ۲۷۵-۲۹۵.
  ۹. Glass, J. (۱۹۷۹). Citizen Participation in Planning: The Relationship between Objectives and Techniques. Journal of the American Planning Association, ۴۵: ۱۸۰-۱۸۹.
  ۱۰. Cavrić, B. (۲۰۱۱). Evolution of Botswana planning education in light of local and international requirements. Spatum, ۲۵: ۳۰-۳۸.
  ۱۱. Jenkins, J. (۱۹۹۳). Tourism policy in rural New South Wales: policies and research priorities. Geojournal, ۲۹: ۲۸۱-۲۹۰.
  ۱۲. Bramwell, B. & Sharman, A. (۱۹۹۹). Approach to sustainable tourism planning and community participation: the case of Hope Valley, in: Greg, R. & Derek, H. (Eds.). Tourism and Sustainable Community Development (pp. ۱۷-۳۵). London: Routledge.
  ۱. محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۶۹). بررسی زمینه های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران.
  ۲. فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). پایان نظم؛ سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه ی غلامعباس توسلی. تهران: جامعه ایرانیان.
  ۳. کرایتن، جیمز ال. (۱۳۹۲). راهنمای مشارکت عمومی: گرفتن تصمیمات بهتر با مشارکت شهروندان (مترجمان: ناصر برک پور، افشین خاکباز، مرجان شرفی، نریمان زرین پناه)، نشر شهر، تهران.
  ۴. نیومن، پیتر و تورنلی، اندی. (۱۳۸۷). برنامه ریزی شهری در اروپا: رقابت بین المللی، نظام های ملی و طرح های برنامه ریزی. (مترجم: عارف اقوامی مقدم)، آذرخش، تهران.
  ۵. کرمانی، علی نوری. رضایی، علی اکبر. پاکدل نژاد، مصطفی. (۱۳۹۴). ارزیابی برنامه ریزی مشارکتی طرح مدیریت محله در شهر تهران. مطالعات جامعه شناختی شهری، ۱۸۳-۲۱۸.
  ۶. J.Brockner, P.A.Singel, J.P.Daly, T. Tyler, C. Marting, When trust matters: The moderating effect of outcome feworability, Admin.Sci. Q. (۱۹۹۷)
  ۷. D.S Carr, S.W. Selin, M.A Schuett, Managing public forests under-



۱۳. Marzuki, A. (۲۰۱۵). Challenges in the public participation and the decision making process. *Sociologija i Prostor*, ۵۳(۱), ۲۱-۳۹.  
<https://doi.org/10.5673/sip.53.1.2>
۱۴. L. Bremner, Participatory planning – models of urban governance. Porto Alegre and Greater Johannesburg, *Urban Forum* ۹ (۱) (۱۹۹۸) ۱۱۱-۱۱۹.
۱۵. R.J. Lewicki, B. Gray, M. Elliott, Making sense of intractable environmental conflicts, *Frames and Cases*, Island Press, Washington, ۲۰۰۳.
۱۶. Laws and decrees: Local Government Law, ۱۹۷۹; The Urban Planning Law, ۲/۱۹۸۳; The Building Law, ۱۱۹/۲۰۰۸.



